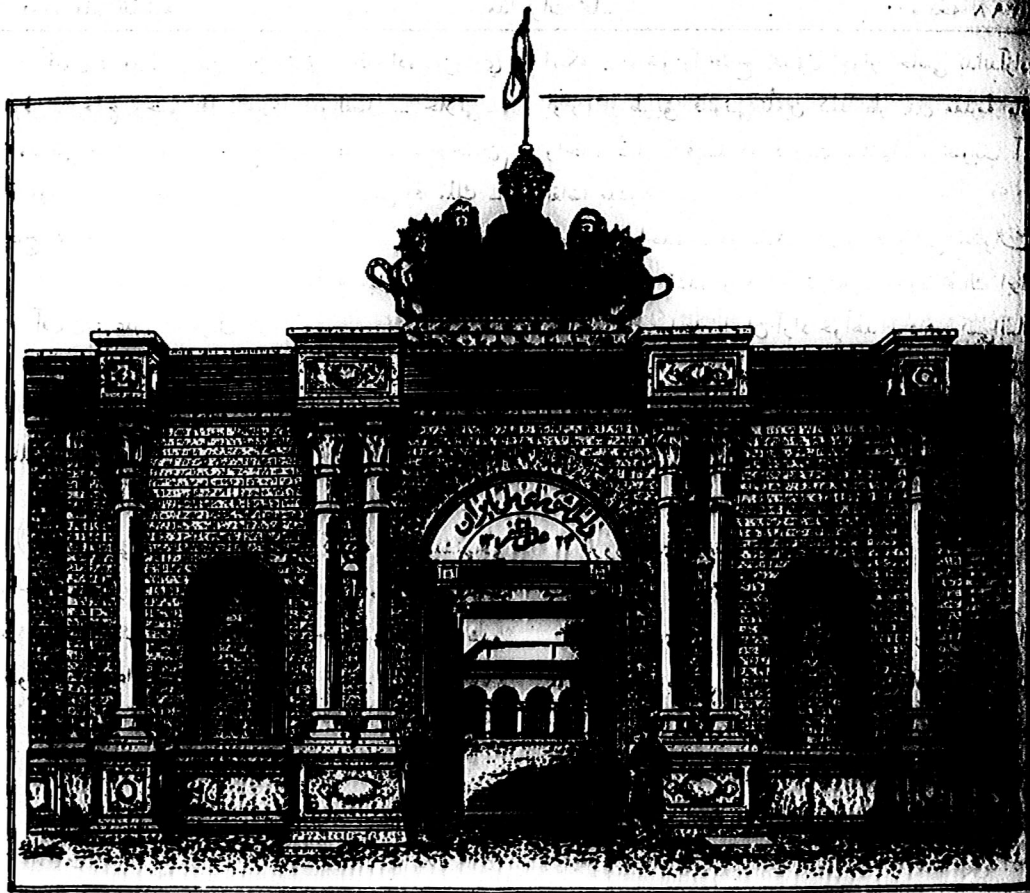


دوره هفتم تقنینیه

جلسه	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره
۲۶		۲۶
تاریخ تأسیس آذر	مندرجات	قیمه اشراك
۱۳۰۵	فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود	داخله ایران سابقه ده تومان خارجه و دوازده تومان
جلسه پنجشنبه ۱۸	-----	قیمه تك شماره
بهمن ماه ۱۳۰۷	پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود	يك قران
مطابق ۲۶ شعبان المظم	مطبعة مجلس	
۱۳۴۷		



# مذاکرات مجلس

## دوره هفتم تقنینیه

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۸ بهمن ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲۶ شعبان المعظم ۱۳۴۷

### جلسه ۲۶

( مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر  
 برپاست آقای دادگر تشکیل کردند )  
 ( صورت مجلس بوم سه شنبه شانزدهم  
 بهمن را آقای اورنگ قرائت نمودند )

غائبین با اجازه جلسه قبل  
 آقایان : جمهری - آشتیانی - مفق - سید مرعشی  
 خان وثوق - دبستانی - ابلهخان - تیمور ناس -  
 غائبین بی اجازه جلسه قبل

عنوان	از صفحه	الی صفحه
شور و تصویب لایحه منع برده فروشی	۲۹۸	۴۰۱
شورای عالی و تصویب قانون خراج	۴۰۱	۴۰۹
قانون منع برده فروشی	۴۰۹	
قانون مالیات خراج	۴۱۱	

آقایان : میرزا حسن خان وثوق - آقا زاده سبزواری  
وزیر - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - جلالی -  
محمد تقی خان اسعد - شیخ محمد جواد - حاج حسین  
آقا مهدوی - شیخمل مدرس - حاج حسن آقا ملک -  
حاج غلامحسین ملک - محمد آخوند -

دور آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان : عدل - عراقی

دور آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان : میرزا محمد زاده - آقا میرزا مسعود - قوام  
ملک مدنی -

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده در جلسه گذشته يك پیشنهادی  
راجهت راهدار خانه های حومه شهر کرده بودم و گویا  
در صورت مجلس راهدارخانه های جزء شهر نوشته شده  
خواستم استدعا کنم اصلاح شود.

رئیس - اصلاح میشود

رئیس - در صورت مجلس مخالفی نیست

( گفتند - خبر )

رئیس - صورت مجلس تصویب شد . آقای وزیر عدلیه  
فرمایشی دارید .

وزیر عدلیه - دو لایحه است که تقدیم میکنم یکی  
لایحه بودجه است که مربوط بکمسیون بودجه و يك لایحه  
دیگری است که تقاضا شده است با قید دو فوریت در  
مجلس مطرح شود .

( لایحه مزبور شرح آتی خوانده شد )

ساحت محترم مجلس شورای ملی اگر چه عمل برده  
فروشی منها است در ایران متروک گردیده ولی چون  
دیده میشود گاهی از خارج ایران اشخاصی با برده وارد  
خاک ایران شده و غافل از اینکه ایران بموجب تعهدات  
بین المللی هیچکس را در خاک خود بعنوان برده نمی  
شناسد گاهی آزادی برده را موکول بصدور جواز خاصی  
میدانند . دولت لازم دید که بوسیله وضع قانونی امر  
بردی را بطور روشن و قطعی از بین برده و بدون

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . ماده واحده قرائت میشود  
( بشرح ذیل خوانده شد )

ماده واحده - در مملکت ایران هیچکس بعنوان برده  
نماندگی نداشته و هر برده بمجرد ورود بخاک یا آبهایی  
ساحلی ایران آزاد خواهد بود - هرکس انسانی را بنام  
برده خرید و فروش کرده یا رفتار مالکانه دیگری نسبت  
به انسانی بنماید یا واسطه معامله و حمل و نقل برده  
باشد محکوم بیک تا سه سال حبس تأدیبی خواهد گردید

رئیس - آقای دشتی

دشتی - موافقم

رئیس - آقای افشار

افشار - موافقم

جمعی از نمایندگان - مخالفی نیست

رئیس - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

فیروز آبادی - بنده اولاً میخواهم يك دفاعی از  
قانون اسلام بکنم چون اشتباه شده است به غالب دول  
گفته اند اسلام بر این است که يك کسی را بنده با غلام یا کنیز  
نظر قرار میدهند که همه جور کار برای آنها بکنند در  
شهر و روستا در اسلام این ترتیب و این جور نیست ( نمایندگان  
تصویب است ) . اساس اسلام و مبنای اسلام این بود که  
اشخاصیکه در جنگها یا اشخاص وحشی و جنگلی را بدست  
می آورند آنها را می آورند در شهر و خانه های خودشان  
نمانند آنها را می پوشانند تربیت میکنند تعلیم میدادند  
اگر مرد بودند بآنها زن میدادند و اگر زن بودند بآنها  
مهر میدادند و با کمال احترام از آنها نگاهداری میکردند  
سوی و مذهب اسلام بقدری سفارش شده که کسی تعدی  
نسبت بآنها نکند کار زیاد و بیش از حد استطاعت به آنها  
رجوع نکند . بنای اسلام بر این بود و بعد هم تقریباً شاید  
چون موردی واجب کرده است که آنها را آزاد کند  
اگر کسی روزه بخورد واجب است که بکنفر از آنها را آزاد  
کند اگر کسی خدای نخواسته قطع نفس کرد لازم است که  
بکنفر از آنها را آزاد کند . اگر کسی بر خلاف نذر روعده

خود رفتار کرد باید بکنفر را آزاد کند . اگر کسی قسم  
دروغ خورد باید يك نفر را آزاد کند ده مورد زیادتر  
است که واجب کرده و شاید صد مورد هم مستحب کرده  
که دیگر با آن قانون يك نفر بنده باقی نمی ماند . این  
است قانون اسلام نه اینکه مبنای اسلام بر این بوده است  
که شخصی يك نفری را بیاورد بنده خود قرار دهد بلکه  
اینها محترم بوده اند و اگر در خانه خدمتی بوده است  
يك خدمت خانم میکرد و يك خدمت هم آن کنیز  
این طریق محترم بوده اند . سختی در اسفار هم اگر يك  
غلامی همراه آقای بود و يك مال داشتند آن مال را  
يك فرسخ آقا سوار میشد و يك فرسخ را غلام مبنای  
اسلام بر روی ظلم نیست ( نمایندگان - صحیح است )  
خوب است همه دول دنیا بخصوص بعضی استعماری طلبها  
در نظر بگیرند و در صدر بر نیایند دوست کورر صد  
کرور هزار کرور اشخاص ازاد را بنده خودشان  
( صحیح است ) بکنند باسم و بعنوان استعماری اینها را  
از بین ببرند والا در اسلام و در ایران يك نفر غلام نیست  
( نمایندگان - صحیح است ) در دو سال قبل ما  
خواستیم بکنفر بنده در طهران بخربم و آزاد کنیم ما  
اینکه يك کرور جمعیت دارد هر چه گشتیم پیدا نکردیم  
این است مبنای اسلام اینها اشتباه است و بنده نمیدانم  
از چه نقطه نظر این اشتباهات شده است .

کاررونی - عمداً میگویند

فیروز آبادی - این اشتباه است که بعضی ها خیال  
میکنند مبنای اسلام بر این است که يك کسی را  
بیاورند غلام یا کنیز خود قرار بدهند و خرید و فروش  
بنمایند و شب و روز برای آنها کار بکنند این طور نیست  
روز اول هم که این اشخاص را می آورند نظر بر این بود  
که آنها را تربیت بکنند و آزاد نمایند  
جمعی از نمایندگان - صحیح است . احسن احسن  
رئیس - آقای دشتی  
دشتی - عرض کنم اینکه آقایان و کلاه فرمودند مذاکرات  
کافی است برای این بود که آقای فیروز آبادی هم مخالفت

بگردد. به عقیده بنده این فرمایشات ایشان هم موضوع ادب است بجهت اینکه همه ماها میدانیم که مبادی دین ما چه چیز است. دیگران هم غالباً بهتر از ما میدانند زیرا انحصار در مذهب اسلام کرده اند و کاملاً میدانند این قسمت ها در جای خودش محفوظ است. بنده حق تدریج این مسائل را بدیهی میدانم که آوردن این لایحه را هم زیادی میدانم برای بچه ؟ برای اینکه در ایران هیچ سابقه نداشته نه حالا بلکه از قدیم الایام هم همینطور بوده است ولی این که حالا گفته میشود برای این است که اشخاصی از خارج وارد ایران میشوند مخصوصاً در قسمت جنوب بعضی سواحلی هستند که تحت قیمومیت خارجی ها هستند که در آنجا ها برده فروشی هست و از آنجا ها ممکن است بتواحد ما بیایند این قانون برای این است که در سواحل ما هیچوجه این لایحه ننگ نباشد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
رئیس - پیشنهادی از آقای باستانی رسیده است قرائت میشود  
(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده تبصره ذیل را بماده واحده پیشنهاد میکنم که الحاق شود :

تبصره -- هر يك از مأمورین دولتی مكلف است بمحض اطلاع با مراجعه كسیكه مورد معامله با رفتار بردگی شده است فوراً وسائل استخلاص او را فراهم آورده برای تعقیب مجرم به نزدیکترین پاركه بدایت اطلاع دهد.

رئیس - آقای باستانی  
باستانی - خیلی واضح است که کلیه مجرمین را به پاركه اعزام میدارند ولی این جا برای اینکه اشخاصی که میخواهند معامله برده بکنند و وارد مملکت ایران بشوند و ما در تمام سواحل و همه جا پاركه بدایت نداریم و ممکن است این قبیل اتفاقات بیفتند بنده پیشنهاد کردم کلیه مأمورین مكلف باشند بمحض اطلاع از این قبیل اتفاقات به پاركه اطلاع بدهند که زودتر خلاص شوند

مقصود بنده از این پیشنهاد این است  
وزیر عدلیه - بنده قبول میکنم  
رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید بمقوب قرائت میشود  
(بمضمون ذیل خوانده شد)  
پیشنهاد میکنم تبصره ذیل را :  
مأمورین ساحلی مكلفند در آبهای ساحلی ایران تفتیش در این امر نموده و از ورود جلوگیری نمایند.  
رئیس - بفرمائید

آقا سید بمقوب - عرض کنم این پیشنهاد بنده برای این است که کاملاً توجه داشته باشیم که ما يك افتخاری داریم که بمحمدالله كشتی های ساحلی داریم و در سواحل ما تفتیش میکنند نسبت بقاچاق و سم و باجری قوانین که از مجلس میگنزد و آن پیشنهادی که آقای باستانی کردند مخصوصاً مؤید عرض بنده است که كشتی های ما که در ساحل هستند مكلف باشند مطابق این قانون اگر در كشتی های دیگر يك رده هست آنها را تفتیش كنند و مانع شوند از ورود آنها در آب های ساحلی ما. این است مقصود بنده. حالا اگر ماده این معنی را تأمین کرده است بنده استرداد میکنم و اگر نکرده باشد بنده عقیده ام این است این ترتیب نوشته شود که معنایش این باشد که مأمورین ساحلی ما مكلف هستند در سواحل نسبت بان مسئله تفتیش كنند تا قانون بهتر اجرا شود

وزیر عدلیه - بنده گمان میکنم مقصود آقا کاملاً تأمین شده است برای اینکه بطوریکه ملاحظه بفرمائید برای این قضیه يك جرمی قرار داده شده است. در آب های ساحلی که همه در حكم خاك مملکت است. اینچاهم اشاره شده است. هر کس که وارد شد بمحض ورود به آبهای ساحلی آزاد خواهد بود و اگر کسی برخلاف این رفتار کرد معنایش این است که در خاك ایران در آب های ساحلی ایران که جزو خاك ایران است جرمی واقع شده و البته در این قبیل موارد هم مطابق قوانین موضوعه رفتار خواهد شد بنابراین چون مقصود يكلی

این شده است تصور میکنم آقا استر داد كنند بهتر است  
آقا سید بمقوب - بنده استر داد میکنم.

رئیس - رأی میکنیم بماده واحده باضافه تبصره پیشنهادی آقای باستانی آقا باستانی که تصویب میکنند قیام فرمایند  
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد در جلسه گذشته ماده اول قانون بنا بر مطرح بود و مذاکرات کافی شد فعلاً داخل در پیشنهادات میشوم. پیشنهاد آقای فهیمی  
(ترتیب ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول بجای از تاریخ تصویب این قانون نوشته شود از اول ۱۳۰۸  
رئیس - بفرمائید

فهیمی - در این لایحه قید شده است از تاریخ تصویب این قانون ولی در مواد دیگر ذکر کرده است پس از این که مقدمات این کار فراهم شد یعنی از قبیل تهیه يك قاطبی مطابق دستور لعل صبحه بعنوان مسلخ یا اینکه در هر نقطه که مسلخ باشد اگر در خارج از آنجا ها كشتار شود فلان قدر جزای نقدی خواهد داشت اینها با هم منقض است بعلاوه از آنطرف تا وزارت داخله دستورات لازمه را راجع به مسلخ ها بدهد يك مدتی وقت لازم است این است که بنده برای تهیه آن مقدمات پیشنهاد کردم ذکر شود از اول فروردین ۱۳۰۸ باشد

وزیر عدلیه - اجازه بفرمائید بگمترتبه دیگر قرائت شود  
(پیشنهاد مزبور مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

وزیر عدلیه - بنده متأسفانه نمیتوانم موافقت کنم با این پیشنهاد. البته تا وقتی که دولت دستوری برای تهیه مسلخ ها نداده است در آنجا ها اقدامی نخواهد کرد ولی در اغلب نقاط مسلخ هست و بنده هیچ دلیلی نمیتوانم که اجراء قانون برای مدتی بتأخیر بیفتد بنا بر این شما نمیتوانم آقا هم موافقت بفرمایند ماده همین شکلی که هست تصویب شود.

فهیمی - بنده هم موافقت میکنم با نظر آقای وزیر عدلیه و مسترد میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر طاهری  
(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم آخر ماده اول اضافه شود و دوات وسائل معاینه صحی روده را برای صدور از مملکت فراهم آورد.

دکتر طاهری - بنده مسترد میکنم  
رئیس - پیشنهاد دیگری از آقای طاهری رسیده است  
(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول بجای از تاریخ تصویب این قانون نوشته شود از اول فروردین ۱۳۰۸  
بعضی از نمایندگان - رد شده

رئیس - آقای طاهری به جوابی که آقای وزیر عدلیه در مقابل پیشنهاد آقای فهیمی دادند قناعت میکنید ؟

دکتر طاهری - بله استرداد میکنم  
رئیس - پیشنهاد آقای اعتبار  
(بترتیب ذیل خوانده شد)

در ماده اول پیشنهاد میکنم  
جمله از تاریخ تصویب حذف و از اول سال ۱۳۰۸ نوشته شود.

رئیس - غائب هستند. پیشنهاد آقای مؤید احمدی  
(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که تبصره ذیل بماده اضافه شود  
اخذ مالیات مزبور در ماده اول در شهرها و قصبات در مسلخ ها بوده و با اشخاصیکه از اطراف پوست و روده ذبیحه برای فروش می آورند تعرض نشود.

فتوحی - مؤید احمدی  
مخبر - اجازه بفرمائید بگمترتبه دیگر خوانده شود  
(پیشنهاد مزبور مجدداً خوانده شد)

رئیس - بفرمائید  
مؤید احمدی - در ماده اول اجرای این قانون و اخذ این مالیات را منحصر به شهرها و قصبات نموده یعنی این مالیات از كشتاری که در دهات میشود اخذ نمیشود و از طرف دیگر معلوم است این مالیات متوجه كشتار

است به پوست و زرده ولی در طرز عمل و تقیید که از طرف مأمورین مالیه خواهد شد ممکن است نسبت به اشخاصیکه از اطراف پوست و زرده برای فروش در شهرها و قصبات می آورند متعرض شوند **که** کشتار کوسفند در کجا شده است مالیات داده است یا خیر و ازدها آنها قبول نمایند و از او مدارکی بخواهند و او قادر به دفاع نخواهد بود و مأمورین مالیه بمنوان ماده ( ۴ ) از پنجمقران الی يك تومان آنها را جرعه خواهند کرد و چون معلوم است که این در شهر گفته شده با در ده همدان که پوست ها را در شهر آوردند بمنوان اینکه قاچاق است از او مالیات و جرعه خواهند گرفت از این جهت بنده پیشنهاد کردم که این مالیات را در مسلخ بگیرند و متعرض دهاتی ها نشوند

وزیر عدلیه - بنده با مقصود نمایندده محترم کاملاً موافقم و دولت نظر ندارد که بعضی دین پوست یا زرده دست کسی دایل بر این بداند که این شخص بطور قاچاق عمل کرده است و مالیات نداده است آقا مقصود دولت این است که وقتی يك پوست یا زرده در دست کسی باشد مأمورین او را تعقیب نکنند و بگویند تو قاچاق کردی و بیا جرعه بده بطوری که عرض کردم مأمور وقتی اقدام میکنند و ما میخواهیم اقدامی که میشود مطابق قانون باشد یعنی اگر يك قرائتی باشد باین که فلان آدم بر خلاف قانون با يك زنبی که در قانون نیست شروع به اقدام کرده است آنوقت از او جرعه بگیریم و این که آقا میگویند بی مورد و با يك دلیل بی اساسی که بودن پوست در دست کسی است او را متعرض میشوند این خودش يك عمل برخلاف قانونی است که بموجب قانون مجازات قابل تعقیب است پس آن قسمت مجرذ است . اما حالا روی اینکه يك مأمور چطور میخواهد تعقیب کند باید قرائن و دلائل دیگرش کافی باشد نه اینکه فقط بواسطه اینکه پوست در دست او است باین دلیل بگویند تو حتماً قاچاق کرده ای بنده خیال میکنم با این توضیحاتی که دادم و با

اینکه اگر يك وقتی اطلاع برسد بپارته ها و يك کسی شکایت کند بصرف اینکه پوست در دست من بود است آمده ام مرا میخواهند تعقیب کنند آن شخص مأمور خودش تعقیب خواهد شد مقصود آقا تأمین است مؤید احمدی - باکمیدانی که آقای وزیر عدلیه دادند بنده مسترزه میدانم

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب ( باین مضمون قرائت شد )  
در ماده اول پیشنهاد میکنم بعد از گله بره اضافه شود چهار ماهه

آقا سید یعقوب - در اینجا نوشته شده است از ۳۰ سه قران دیگر حدودش را معین نکرده است . فرق است بین سه قران با دو قران . معلوم است مأمورین در مقام عمل نفع نسبت بمالیه را ملاحظه می کنند . ما باید نفع حال مردم را ملاحظه کنیم چون این جا غیر معین است خوب است آقای مخبر توضیح بدهند **که** آن توضیح در واقع برای این قانون شارح باشد که در مقام عمل از کوسفند یکساله نام بر سه قران بگیرند . معلوم کنند که چه اندازه است اگر محتاج است قبول کنند و الا يك توضیحی بدهند که در سلاخ خانه اسباب زحمت مردم اشود

مخبر - اساساً خود آقا آقا سید یعقوب تصدیق دارند که مدت و ماه نمیشود قابل شد زیرا چهار اشکالات شدیدتری میشود زیرا با این ترتیب بایستی دفتر و سجل و اینها برای بره و کوسفند تهیه کنند . . .

آقا سید یعقوب - بنده استرداد میکنم مخبر - ولی در قسمت دیگر بمقیده بنده در عرف اصطلاح آنهاست که اهل عمل هستند خود شان بره و کوسفند را تشخیص میدهند و میدانند تا چه سنی بره است و تا چه سنی کوسفند است . تشخیص را خود آن اشخاص در ضمن عمل میدهند

آقا سید یعقوب - بنده استرداد میکنم و بعد از این توبه میکنم

رئیس - رای گرفته میشود ماده اول آقایان موافقین ایام فرمایند  
( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . ماده دوم  
( بمضمون آتی قرائت شد )

ماده دوم - وزارت مالیه مکلف است از ابتدای ۱۳۰۸ تا سه سال با جلب نظر وزارت داخله اعتبار تک های لازم را نسبت ببلدیه های شهرها و قصباتی که مسلخ ندارند برای تأسیس و نگاهداری مسلخ در بودجه های ملکیتی منظور دارند

رئیس - آقای عدل  
عدل - موافقم  
رئیس - مخالفی نیست ؟  
( گفته شد خیر )

رئیس - پیشنهادی رسیده است قرائت میشود .  
( بمضمون ذیل قرائت شد )

پیشنهاد میکنم ماده دوم بطریق ذیل اصلاح شود  
ماده دوم - وزارت مالیه مکلف است از ابتدای ۱۳۰۸ تا سه سال با جلب نظر وزارت داخله اعتبار تک های لازم را نسبت ببلدیه های شهرها و قصباتی **که** مسلخ ندارند برای تأسیس و نگاهداری مسلخ در همچنان نظارت صحیح راجع بجلو گیری از کشتار حیوانات مریض و تهیه و حمل زرده مطابق دستورقنی بخارجیه در بودجه ملکیتی منظور دارند ( فولادوند )

رئیس - آقای فولادوند  
فولادوند - مطابق لایحه که خود دولت تنظیم کرده بود در ابتدای لایحه ذکر کرده بودند که مقصود از تدوین این لایحه یکی برای جلو گیری از کشتار مریض است و البته خاطر آقایان مستحضر است که غالب امراض باین واسطه منتشر میشود و یکی هم برای تسهیل تجارت زرده . هر دو فقره را در لایحه صریح کرده اند و چون در کربلایون بطور مستقلی تدوین نشده بود خدمت **که** وزیر مالیه و مخبر عرض کرده که باید يك طوری

باشد که تحت ماده بیرون بیاید که محط نظر باشد از این جهت اینطور پیشنهاد کردم که اگر آقایان صلاح میدانند ماده باین طریق اصلاح شود

مخبر - يك دفعه دیگر قرائت شود  
( مجدداً قرائت شد )

وزیر عدلیه - این پیشنهاد دو قسمت است بلکه در حقیقت سه قسمت است يك قسمت اول در خبر کربلایون هست . يك قسمت راجع به نظارت صحیح و جلوگیری از کوسفند های مریض است و يك قسمت دیگر راجع بترتیب فنی تهیه زرده . بنده خیال میکنم مسئله زرده که الان در وزارت مالیه تحت مطالعه است و از برای جلوگیری از اینکه زرده مریض بخارجیه حمل نشود يك نقشه را در نظر دارند و بالاخره باید دستکاه مخصوصی این مسئله پیش رود و با يك نقشه کاملاً يك لایحه دیگری اگر لازم شد بعد تقدیم میشود . مسئله نظارت را هم اگر میخواهید در اینجا گنجانده شود که کشتار مریض نشود بنده حرفی ندارم که آن قسمت از پیشنهاد را قبول کنم ولی خیال میکنم که آن هم در حدودی که عملی هست خواهد شد اعم از اینکه اینجا نوشته شود یا نوشته نشود

رئیس - رای میکنیم بقبایل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند  
( سده قبلی قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . ماده سوم قرائت میشود  
( بشرح آتی قرائت شد )

ماده سوم - پس از اجرای این قانون کرایه مسلخ و عوارض دیگر بوجه اسم و رسم از ذبایح دریافت نخواهد شد و وزارت مالیه مکلف است معادل مبلغی که بلدیه ها در تاریخ آذر ماه ۱۳۰۷ از ذبایح برای نگاهداری و کرایه و تنظیم مسلخ و امور قضایی و رؤسسه شیروخورشید سرخ در تبریز و مشهد برای مصارف معینه خیری و صحتی از کشتار شهرها و قصبات دریافت مینموده اند مالیات به آنها عاید دارد که بجهت مصارف معینه بردانند

رئیس - آقای عدل

عدل - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا عبارت يك قدری اصلاح لازم دارد. کشتار شهرها و قصبات باید نوشته شود. کشتار در شهرها و قصبات عبارت ناقص است. خواستم اصلاح شود و يك تبصره هم در ضمن شور اول پیشنهاد کرده بودم. وقتی موقع شد عرض کنم را میکنم

مخبر - این قسمتی که فرمودید اصلاح عبارتی بود و گمان میکنم يك پیشنهاد دیگر در این ماده شده که اگر او قرائت شود رفع اشکال آقا را میکند و آن پیشنهاد را بنده قبول میکنم

رئیس - مخالف دیگری نیست پیشنهاد از طرف آقای امیراعلم رسیده قرائت میشود.

(مضمون ذیل قرائت شد)

اصلاح عبارتی ذیل را پیشنهاد میکنم پس از اجرای این قانون کرایه مسلخ و عوارض دیگر بهیچ اسم و رسم از ذباج در یافت نخواهد شد و وزارت مالیه مکلف است معادل مبالغی را ببلدیه ها که سالیانه از ذباج برای تکاهداری و کرایه و تنظیم مسلخ و امور قصابی از کشتار شهرها و قصبات دریافت مینمودند و همچنین مؤسسه شیر و خورشید سرخ در تبریز و مشهد از ذباج برای مصارف خیری و صحتی در یافت میداشتند از روی عایدات آخر ماه ۱۳۰۷ حساب کرده بآنها همه ساله عاید دارد که بهمان مصارف همیشه رسانند

دکتر امیر اعلم - اصلاح عبارتی است چون از آن عبارتی که در ماده بود ممکن بود اشتباهی بشود که فقط يك ماه در سال بدهند. این بود که این اصلاح عبارتی را پیشنهاد کردم که معلوم باشد سالیانه است

مخبر - بنده این پیشنهاد را قبول میکنم  
رئیس - رای میگیریم بماده ۳ پیشنهادی آقای امیر اعلم که مخبر قبول کردند آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر نمایندگان - قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده چهارم (مضمون ذیل خوانده شد)

ماده چهارم - وزارت داخله مکلف است بتوسط بلدیه ها در شهرها و قصبات مسلخهایی معین نماید که خارج از آنها کشتاری نشود و هرگاه در نقاطی که دارای مسلخ هستند کسی در خارج از مسلخ کشتاری نماید از پنجقران تا یکتومان جزای نقدی خواهد شد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده اینجا قدری توجه میدهم آقای وزیر عدلیه را ما در وضع مالیات نباید تنها متاع دولت را در نظر بگیریم اینجا مینویسد وزارت داخله مکلف است توسط بلدیه ها در شهرها مسلخهایی معین نماید که خارج از آنها کشتاری نشود سابق براین بنده پیشنهاد کردم که مسلخهای مطابق حفظ الصحة معین

نمایند که لا اقل يك قدری برای اصلاح حال مردم برداریم تمام نظر بپول نباشد نظر باصلاح حال جامعه هم باشد این قید را بنده در سابق اضافه کرده بودم که مطابق حفظ الصحة باشد و هر کودالی را نکوبند اینجا محل کشتار است که تعین آن تمام شهر را بگیرد مردم را گرفتار کند و اما راجع باینکه اگر در خارج از مسلخ کشتاری نمایند از پنجقران تا یکتومان جزای نقدی بشوند این را هم بنده مخالفم اگر يك بیچاره ناچار بشود مجبور باشد خوب يك روز حبس شود دیگر حتما جزای نقدی معین شود این را بنده مخالفم و بنای باصلاح اهل حقوق چراجزا را در اینجا معین کرده اند باید در قانون مجازات يك چیزی معین کنند نه اینکه در هر قانونی يك مجازاتی باشد از این جهت هم بنده مخالفم وزیر عدلیه - عرض کنم که بنده هیچ مانعی نمیبینم که آقا اینجا بگذارند مسلخهای مطابق حفظ الصحة این اشکال ندارد. البته مسلخهایی که ساخته میشود در حدود امکان سعی میشود مطابق حفظ الصحة هم باشد ولی در قسمت مجازات بنده آن قانونی را که ضامن اجرائی ندانم باشد تقریباً يك نصیحت و موعظه اخلاقی میدانم که

المطلب اوقات هم کسی بآن ترتیب اثر نخواهد داد حالا اینجا باید يك قدری سهلتر کنند که اگر کسی پول نداشت او را حبس نکنند این مطابق يك قانون دیگری معلوم است کسی که محکوم است بجزای نقدی وقتی نداد بایستی او را نگاهدارند و این هیچ ضرورت ندارد و بنده تصور میکنم اغلب اشخاص پنجقران جرعه را بدهند بهتر از این است که بروند يك روز حبس بشوند

مخبر - در قسمت مطابق حفظ الصحة همانطور که آقای وزیر عدلیه توضیح دادند اگر چه بنده هم لازم میدانم ولی چون آقا نظر دارند قبول میکنم  
رئیس - مخالف دیگری ندارد. پیشنهادها قرائت میشود (مضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای فولادوند بنده تبصره ذیل را در آخر ماده ۴ پیشنهاد میکنم در مراکز و شهرهایی که شیر و خورشید سرخ با اداره صحتیه دائر است دولت مکلف است بکنفر طیب مأمور نماید که در تحت نظر و تصویب آن طیب کشتار بعمل آید که جلوگیری از کشتار حیوانات مریض بشود

فولادوند - عرض میکنم عبارتی که بنده پیشنهاد کرده بودم و شرح دادم در مقدمه لایحه نوشته شده بود و به آقای وزیر مالیه که عرض کردم و همینطور آقای مخبر گلستان هر دو موافقت نظر داشتند. در قسمت صحبه هم که آقای وزیر عدلیه قبول کردند تعجب میکنم که چرا آقایان بدون التفات بمرض بنده پیشنهاد را رد کردند حالا عرض از این قسمت عرض بنده این است که المطلب امراض از این کشتار مریض و حیوانات مریض است و همه آقایان هم میدانند و اداره صحتیه هم که مالک است و قضیه مهمی نیست که بودجه را اضافه کنند اگر موافقت میفرمایند آقای وزیر عدلیه هم موافقت کرد که بکن میکنم يك کسی برای حفظ الصحة مردم شده باشد  
وزیر عدلیه - يك مرتبه دیگر این تبصره را بخوانید (مجدداً قرائت شد)

وزیر عدلیه - عرض میکنم که بنده خیلی خوشوقت میشدم اگر در مملکت خودمان عادت میکردیم که ایات خودمان را هم در حدودی که وسائل مملکتی اجازه میدهد در آن حدود اظهارش را بکنیم. این نظر خیلی خوب است و باید اینجا اضافه شود ولی وسائل مملکتی تا حدی را اجازه میدهد در ایران چقدر مسلخ هست یعنی چقدر طیب لازم است که از مالجه انسانها فراغت داشته باشند و تمام کشتارها در تحت نظرشان باشد؟

آقا يك فرمایشی فرمودند بنده عرض کردم که آن اندازه که عملی و میسر است اینجا هم بنویسید میشود الان هم هست الان هم در شهرها از طرف بلدیه در مسلخها بکنفر هست و مواظب است و اگر میخواهد اینجا بنویسید و عمل نشود فایده ندارد. اگر مقصود عمل است که چنانچه عرض کردم تا اندازه الان هم این عمل میشود و البته روز بروز سعی میکنیم که وسائل بیشتر شود و این منظور آقا کاملاً عملی شود از این جهت بنده خواهش میکنم بهمین توضیحاتی که دادم قناعت بفرمایند و تبصره را مسترد دارید. و بگذارید قانون بهمین شکل بگذرد

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای فولادوند آقایان موافقین قیام فرمایند (چند نفری برخاستند)

رئیس - تصویب نشد. تبصره پیشنهادی آقای فهیمی قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم: در نقطه که مسلخ ندارند این مالیات دریافت نخواهد شد  
رئیس - آقای فهیمی  
فهیمی - نظر دولت این است که در تمام نقاطی که مسلخ است این مالیات گرفته شود. یعنی در آن جاهایی که مسلخ نیست گرفته نشود از این جهت مطابق همین نظر دولت بنده پیشنهاد کرده ام در جاهایی که مسلخ هست و کشتار باید در آنجاها بشود این مالیات را بگیرند ولی از آن نقاطی که مسلخ ندارند و در مسلخ کشتار

نمی شود این مالیات دریافت بشود چون این ماده درست مطالب را نمی خواند و از مذاکرات سابق هم همچو معلوم میشود که حتی در نقاطی هم که مسلخ ندارند بازان مالیات گرفته میشود و دولت عمل با این قانون میکند برای اینکه اشتکالاتی دیگر بین مأمورین دولت و مردم تولید شود بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم و خواستم توضیح داده شود تا درست معلوم باشد که در آنجائی که مسلخ دارند مالیات گرفته شود و در آن نقاطی که مسلخ هنوز دایر نشده چیزی باین عنوان اخذ ننمایند

بایکتهای جزای نقدی خواهد شد  
بصره - قسبات مملکت را وزارت داخله تعیین نموده و پس از تصویب هیئت وزراء اعلام خواهد شد  
رئیس - رای گرفته میشود ماده چهارم با اصلاح پیشنهادی آقای آقا سید یعقوب آقا بانیکه موافقت قیام فرمایند ( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد ماده پنجم ( باین مضمون قرائت شد )

ماده ۵ - قربانی اضحی و نذوری کشتاری که بحکم اجبار برای احتراز از مرگ حیوانات در نتیجه ناخوشی باحادثه میشود از مقررات مواد ۱ و ۴ معاف است  
رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در شور اول بنده يك پیشنهادی کردم و توجه اعضاء محترم کسبیون را هم جلب کردم باینکه يك حوادث ممکن است واقع شود که آن حوادث را نمیشود محدود کرد. از این جهت بنده بهتر میدام که آنطرف قضیه معین شود و بطور کلی بنده پیشنهاد کرده ام که از هر کشتاری که برای فروش میشود این مالیات گرفته شود ولی از کشتار هائی که برای فروش نیست اعم از اینکه کسی برای خودش کشتار کند یا برای تعزیه داری باشد یا برای نذور یا سایر چیزها باشد مطلقاً چیزی گرفته نشود فقط از کشتار هائی که برای فروش میشود این مالیات غیر مستقیم که بسط رعایت دارد گرفته شود نه در موارد دیگر بیکه برای فروش نیست ملاحظه فرمائید بنده امروز مثلاً مهانی دارم و میخواهم کوسفندی برای مهانان خودم ذبح کنم یا میخواهم برای نذر کوسفندی بکشم در اینجا واقعاً هیچ مورد ندارد که مالیات بدهند. گر چه آقای قائم مقام ( عدل ) آن روز به بنده بی صحتی فرمودند و اظهار داشتند هر کس میخواهد کوسفندی نذر حضرت عباس بکند باید دو هزار بدهد یا اگر کسی مهان داشته باشد همینطور ...

عدل - بنده همچو چیزی نگفتم

آقا سید یعقوب - ولی بنده عقیده ام این است هر کشتاری

کلی برای فروش باشد مالیات بدهد و هر کشتاری که برای نذوری باشد بدهد. با این ترتیب هم دولت میتواند قانون را اجرا کند و هم مأمور کمتر میخواهد

وزیر عدلیه - خیلی جای تأسف است که گاهی دو نظر در صورتیکه صاحبان نظر هر دو عقیده شان یکی است با هم صورتاً مخالف می شود. مثل نظر آقای آقا سید یعقوب و بنده. بنده هیچ نمی خواهم که بین نظریه ایشان و بنده اختلافی باشد ولی به عقیده بنده اگر مستثنیات نوشته شود بهتر و قانون صریح تر است تا آن ترتیبی که آقا فرمودند برای اینکه فرما میکنند است يك نهانه هائی بدست مردم بیفتد بعلاوه در همان نظری هم که خود آقا فرمودند که کسی برای مهانی خودش يك کشتاری میکند چه ضرر دارد همین شخص بفرستد و کوسفندی کشته بگیرد این شخص که میخواهد در خانه خودن با دست خودش يك کوسفندی بکشد و خانه خودش را مسلخ قرار میدهد يك چنین شخصی چه ضرر دارد که او قران هم بدو بدهد آقا بکنارید هر کاری در محل خودش بشود - خانه آدم - اطاق آدم زندگی آدم جای کشتار و ذبح کوسفندی نیست این کار را باید قصاب در قصابخانه بکند نه در جای دیگر و کس دیگر فرض فرمایند بنده که میخواهم طبخ حضوری بکنم باید دودش را هم بخورم.

آقا سید یعقوب - حتی الامکان باید آزادی مردم را گرفت

رئیس - پیشنهاد آقای مؤید احمدی ( بشرح ذیل خوانده شد )

بنده پیشنهاد میکنم بعد از نذور کلمه عقیده هم علاوه شود  
وزیر رئیس - آقای مؤید احمدی  
مؤید احمدی - عرض میکنم عقیده نه جزو نذور است نه جزو سایر قسمت ها که در ماده نوشته شده از این جهت خواهش میکنم این را قبول فرمائید  
تأیید شد - بسیار خوب قبول میکنم

مخبر - چون آقای وزیر عدلیه قبول کردند بنده هم قبول میکنم  
رئیس - رأی گرفته میشود ماده پنجم با اضافه شدن کلمه عقیده که آقای مؤید احمدی پیشنهاد کرده اند آقایان موافقت قیام فرمایند ( عده زیادی قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد. مذاکره در کلیات است  
باسامی - متأسفانه عادت مأمورین وزارت مالیه بر این شده که قوانین مجلس را بر خلاف مقصود و منظور ما سوء تفسیر و اجرا میکنند. مذاکرات مجلس هم که طبع میشود باز میگویند ما بهتر می فهمیم. این يك اصول رایجی شده که از مفرز مأمورین وزارت مالیه بیرون آمده و مواد قوانین را بر خلاف مقصود ما تفسیر میکنند بطوریکه گاهی خود وزیر مالیه هم اطلاع ندارد. غالباً دیده شده که با وزیر هم مهاجه می کنند و میگویند نه شما ملتفت شده اید و نه مجلس. این رویه را باید متروک کنیم بنده موضوعی را که میخواستم در این جا عرض کنم این است که وزارت داخله باید صورت قسبات را تهیه کند و بوزارت مالیه بفرستد و او هم اعلان کند که قصبه کجا است؟ فردا اگر آمدند تمام دهات را اسمش را گذارند قصبه چه خواهد شد؟ مثلاً هر جا که پانصد نفر جمعیت دارد میگویند قصبه است ما هم حالا که قانونی در دست نداریم تا ملاکی در کار باشد در صورتیکه قصبه آنجائی است که بازار داشته باشد و جمعیتش زیاد باشد مقصود این است که از حالا يك مشخص و ملاکی در کار باشد که فردا اسباب زحمت نشود بنده مقصود این است به آقای وزیر عدلیه که حالا تشریف دارند يك تذکراتی بدهم که در صورت مجلس قید شود و طوری نشود که فردا هر دهی را مأمورین مالیه اسمش را قصبه بگذارند و آنوقت بگویند ما این طور فهمیدیم و اسباب زحمت شود.  
وزیر عدلیه - واجب بحسن سلیقه که مقرر باشد بعضی از مأمورین مالیه دارند و قوانین را بد تفسیر میکنند

البته بايد با آنها ياد داد كه قانون را خوب تفسير كنند گاهي هم ميشود كه يك ماموري از روي فهم و منطق عجبب خودش قانون را تفسير ميكند و مدتها زحمت دارد كه ما باو چالي كنيم و بفهمانيم كه بد تفسير کرده زيرا از روي سوء نيت اين كار را نكرده و بفكرش اين طور رسیده در اين صورت البته مقام بالا را دستور ميدهد و مي فهماند كه اشتباه کرده اگر هم عمدا سوء تفسير کرده باشد كه مجازات ميشود در قسمت قصبات هم كه فرموديد هر كجا كه پنجاه نفر جمعيت داشت اسمش را ممكن است قصبه بگذارند بنده اطمینان ميدهم اين طور نيست در اين جا راجع به قصبه مذاكره شد و اينكه قرارداد قصبات مملكت را وزارت داخله تعيين نموده و پس از تصويب هيئت وزراء اعلام كند براي همين است كه دقت زياد تري شده باشد و اگر فرض ميفرمائيد هر ماهه موري در محل ابواب جمعي خودش برمي دارد يك راهبري از قصبات ميدهد در صورتي كه آن طور نباشد و غلط تنظيم شده باشد هيچ مالي نخواهد داشت كه تغيير داده شود. در هر حال تمام تكات مراعات خواهد شد جمعي از نمايندگان - مذاكرات كافي است آقا سيد يعقوب - خبر كافي نيست يك ملاحظاتي است بايد اجازه بدهيد گفته شود.

رئيس - آقاي فيروز آبادي

فيروز آبادي - بنده در كليات اين نوع لوايح و امور (نه در قسمت اين لايحه ذابيح و كشتار) بلكه در كليات اينگونه امور نظرم اين است كه بايد از اين قبيل عوائد صرف نظر نمود زيرا بنده عقیده دارم از اين نوع عوايد بايد صرف نظر كرد و روي آن نظريه اصلي كار كرد. و با آن نظر هم هيچ مستعبد نيست كه عايدات ايران به هزار مليون برسد. هر چند كه با اخلاق بنده مستعبد است اما اگر درست دقت و ملاحظه شود. مي بينيم كه مالك ديگر با اينكه خاكشان يك ثلث از ايران كتر است و معادلش هم يك ثلث كتر است جعللك عوائد شان هزار مليون از ما زياد تر است چنانچه همه آقاها هم از بنده

منفرد مي پيدا كند و بجاي اين ماليات ها قرارداد هدر بطور كلي در نظر دارد كه يك عايداتي براي مردم درست بكنند بعد هم خودش را از آن بگيرد بدون اينكه تخمبلي هم برمرد شده باشد جمعي از نمايندگان - مذاكرات كافي است رئيس - رأی گرفته ميشود بلايحه ماليات ذابيح كه مشتمل بر پنج ماده است آقاها موافقين ورقه سفيد خواهند داد. (اخذ و شماره آراء بعمل آمده بترتيب ذيل نتيجه حاصل شد)

ورقه سفيد علامت قبول ۶۸ - كبود يك

اسامي موافقين

آقاها: اباخاني - مقدم - رومي - شرفي - عدل - الهيمي - باليزي - بيات ما كوفي - دكتور امير اعلم - طباطبائي ديبا - ميرزا ناس - حبيبي - طالش خان - امير دولتشاهي - شهداد - اسفندياري - هزار جربي - زهاب زاده - حسنعلی ميرزا دولتشاهي - نويخت - امير البراهيمي - عليخان اعظم - مجد ضيائي - ظفري - شريعت زاده - حكمت - صادقي - مالك مدني - فطيمي - قاضي لوري - حاج سيد محمود - محمد علي ميرزا دولتشاهي - مجرمي - دكتور لقمان - طهراني - مولوي - شيخ الملك

اسدي - مؤيد احدي - فتوحی - عباسميرزا - فولادوند - آزدي - كفائي - كاشاني - خواجوي - دكتور سنك - ساكينيان - محمد ولي ميرزا - طباطبائي وكيلي - ديوان بيگي قراگوزلو - كيا نوري - اسكندري - مسعودي - مصباح فاطمي - افسر لاريجاني - درلاني - مخبر فرهمند - ذوالقدر ناصري - غلامحسين ميرزا مسعود - زوار - مرضي قليخان بيات - عبدالحسينخان ديبا - ملك زاده - رفيع

مخالف آقاي فيروز آبادي

رئيس - عده حاضرین سده نفر با كثریت ۶۸ رأی تصويب شد. بطوريكه خاطر آقاها مستحضر است قريباً ما ماه رمضان را در پيش داريم و جلسات بايد به شب منتقل شود. روز يكشنبه هم كار زيادي نداريم. سرعت تصميحات مجلس هم خوشبختانه ما را از صرف وقت زياد بي نياز ميكند بنا بر اين اگر آقاها موافق باشند شهبای يكشنبه و چهار شنبه در ماه مبارك رمضان دو ساعت از شب جلسه خواهد بود بعضی از نمايندگان - دو ساعت و نيم از شب رئيس - بسيار خوب دو ساعت و نيم اولين جلسه هم شب چهار شنبه ۲۴ بهمن دو ساعت و نيم از شب گذشته (مجلس مقارن ظهر ختم شد)

## قانون

منع خريد و فروش برده در خاك ايران و آزادي برده در موقع ورود بمملكت

مصوب ۱۸ بهمن ماه ۱۳۰۷ شمسی

ماده واحده - در مملكت ايران هيچ كس بعنوان برده شناخته نشده و هر برده بمجرد ورود بخاك يا آهاي ساحلي ايران آزاد خواهد بود هر كس الساني را بنام برده خريد و فروش کرده يا رفتار مالكانه ديگري نسبت باساني بنمايد يا واسطه معامله و حمل و نقل برده بشود محكوم بيك ناسه سال حبس تاديبی خواهد كرديد تبصره - هر يك از مامورين دولتي مكلف است محض اطلاع يا مراجعه كسي كه مورد معامله يا رفتار برده كمي شده است فوراً وسائل استخلاص او را فراهم آورده براي تعقيب مجرم به نزديكترين يار كه بديت اطلاع دهد اينقانون كه مشتمل بر يك ماده است در جلسه هيجدهم بهمن ماه يکهزار و سيصد و هفت شمسی بتصويب مجلس شورای ملی رسيد

رئيس مجلس شورای ملی - دادگر



# قانون

## مالیات ذبایح

مصوب ۱۸ بهمن ماه ۱۳۰۷ شمسی

ماده اول - وزارت مالیه اجازة داده میشود از تاریخ تصویب اینقانون فقط در شهرها و قصبات از هر کشتاری بزرگ و فرانس از کوسفند دو قران و دهشاهی از بره سه قران و از گاو و کوساله سه قران و دهشاهی و از گاو میش پنجهقران دریافت دارد.

ماده دوم - وزارت مالیه مکلف است از ابتدای ۱۳۰۸ تا سه سال با جلب نظر وزارت داخله اعتبار تکلیفهای لازم را نسبت ببلدیه های شهرها و قصباتی که مسلخ ندارند برای تاسیس و نگاهداری مسلخ در بودجه های مملکتی منظور دارند.

ماده سوم - پس از اجراء اینقانون کرایه مسلخ و عوارض دیگر بهیچ اسم و رسم از ذبایح دریافت نخواهد شد و وزارت مالیه مکلف است معادل مبلغی را که بلدیه ها سالیانه از ذبایح برای نگاهداری و کرایه و تنظیم مسلخ و امور قصابی از کشتار شهرها و قصبات دریافت مینمودند و همچنین مؤسسه شیر و خورشید سرخ در تبریز و مشهد از ذبایح برای مصارف خیریه و صحتی دریافت میداشتند از روی عایدات آفرماه ۱۳۰۷ حساب کرده باها سه ساله عاید دارد که بهمان مضارف مینماید رسانند.

ماده چهارم - وزارت داخله مکلف است بتوسط بلدیه ها در شهرها و قصبات مسائلهائی مطابق اصول صحتی معین نماید که خارج از آنها کشتاری نشود و هرگاه در نقاطی که دارای مسلخ هستند کمی در خارج از مسلخ کشتاری نباید از پنجهقران تا بکتومان جزای نقدی خواهد شد.

تبصره - قصبات مملکت را وزارت داخله تعیین نموده و پس از تصویب هیئت وزراء اعلان خواهد نمود.  
ماده پنجم - قربانی اضحی و نفور و عقیقه و کشتاریکه بحکم اجبار برای احتراز از مرگ حیوانات در نتیجه ناخوشی و یا حادثه میشود از مقررات مواد یک و چهار معاف است.

این قانون که مشتمل بر پنجاه و یک ماده است در جلسه هجدهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هفت شمسی تصویب

مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر